

فرق میان «نقد» و حرف واهی تبصره کوتاه بر نوشته آقای محمد انور بنیاد

چند روز قبل نوشته هموطن محترم آقای بنیاد را تحت عنوان «عربستان مقصر و ایران بیگناه؟! – تأملی بر نوشته آقای داکتر سيد عبدالله کاظم» منتشره پورتال معتبر «افغان جرمن آنلاين» را مطالعه کردم که مرا بیاد ضرب المثل معروف وطنی «ده کجا و درخت ها کجا!» انداخت. تعجب کردم چهار مطلبی را که ایشان در رابطه با نوشته من تحت عنوان «انگیزه های سیاسی برخورد شیعه و سنی» منتشره آن پورتال تحریر فرموده بودند، هیچ یک متمسک با متن نوشته من نبود. باید به عرض برسانم یکی از عمده ترین اصول نقد یک اثر، همانا تمسک دقیق به عبارات و محتوای اثر میباشد. هرگاه چنین نباشد، نقد بدون تمسک به متن مثل حرفهای واهی و بی اساس بوده و حتی میتوان آنرا افترا و تهمت خواند. با این تذکر مختصر میخوام نخست توجه را به هر یک از مطالب معترضه آقای بنیاد جلب کنم و در عین زمان متن نوشته خود را جهت رفع سوء تفاهم نقلاً از نظر خوانندگان این نوشته بگذارم تا سخن حق بر ملا شود:

آقای بنیاد می نویسد: « آقای دکتور کاظم، جناب دکتور ملا زاده را بطور مستقیم و بدون شک و تردید گماشته عربستان سعودی، غرض زدن آخندهای ایرانی نشان داده اند...»

متن نوشته من: «برنامه های تلویزیون اهل بیت و سلام بیشتر به نفع سیاستهای کلی ایران و برعکس برنامه داکتر ملا زاده بیشتر به نفع علایق سیاسی سعودی و اما هر دو زیر عنوان اشاعات دینی - مذهبی فعالیت میکنند.»
محترماً! ملاحظه می فرمائید که عبارت من با برداشت شما از آن زمین تا آسمان فرق دارد.

آقای بنیاد می نویسد: «با مطالعه نوشته جناب داکتر کاظم این سوال در ذهن خطور میکند که اگر عربستان سعودی ملا زاده را گماشته، ... آیا عربستان سعودی نمیتواند در سطح تلویزیونهای ایرانی و افغانی، کانالی.... براه اندازد?... در نوشته داکتر کاظم پرسشی لاجواب می ماند مبنی بر اینکه با ساکت کردن ملا زاده ها آیا ایران دست از فتنه کاری هایش (در قبال افغانستان و منطقه) خواهد گرفت و از تحریکات اهل تشیع در افغانستان علیه جامعه برادرشان یعنی جامعه سنی صرف نظر خواهد نمود؟»

محترماً! جای شک نیست که باز کردن یک کانال تلویزیونی برای عربستان سعودی کار بسیار ساده است، کاش آنها چنین کاری را بکنند. من با آن هیچ مخالفتی ندارم، اما تشویش من پخش همچو برنامه ها از طریق یک تلویزیون افغانی است که عواقب آنرا ناگوار میدانم. در این ارتباط توجه را به متن نوشته خود جلب میدارم:

«دفاع از عقاید دینی و مذهبی به نحو شایسته و مناسب حال که موجب برخورد و نزاع مذهبی نگردد و آنهم به مقصد رفع سوء تفاهمات باشد و به وسیله علمای نیصلاح دینی مطرح گردد، یک امر ضروری و مفید است. اما اگر طرح مسائل دینی به روی مقاصد خاص سیاسی باشد و دین یا مذهب به حیث حربیه سیاسی بکار گرفته شود، آنوقت ماهیت موضوع فرق میکند و بجای رفع مشکل، بر عکس با تحریک احساسات مذهبی مردم دائره خصومت وسیع میگردد که در ادامه، مشاجرات لفظی جای خود را تدریجاً به برخورد های فزینگی خواهد داد. اینکه چرا و چه کسانی با چه انگیزه ها و اهداف میخواهند دامنه (فتنه بزرگ) را در جهان اسلام بار دیگر گسترده سازند و از آن به نفع سیاستهای موجود بهره برداری نمایند، سوالیست که جواب آنرا اساساً میتوان در بررسی عمیق رقابت های سیاسی جاری بین حامیان شیعه و سنی بخصوص ایران و عربستان سعودی که هر یک ادعای زعامت و رهبریت را در جهان اسلام دارند، جستجو کرد..... تبلیغات مذهبی که از طرف یک عده پیروان متعصب شیعه و سنی در بعضی رسانه های نوشتاری و تصویری فارسی و دری زبان ظاهراً به مقصر روشنگری های مذهبی و دینی در خور مردم داده میشود، در حقیقت جز پالیسی های دقیقاً طرح شده تبلیغات سیاسی رقبای منطقوی محسوب میگردد. برنامه داکتر ملا زاده که قطع آن در حلقات افغانی موجب عکس العمل ها گردید، اگر از یکطرف سیاستهای متعصبانه رژیم آخوندی ایران را مورد انتقاد قرار میداد و به حیث یک شهروند ایرانی مخالف رژیم حق داشت، از طرف دیگر بیانات او با مطابقت به پالیسی های عربستان سعودی بیشتر متوجه افغانستان و تحریک احساسات مذهبی یک عده افغانها در برابر شیعه ها بوده و این تحریکات بر شعله ور شدن آتش نفاق و شقاق مذهبی در افغانستان بیش از پیش اثر زیانبار میگذارد. همانطوریکه اکنون در پاکستان برخورد های مذهبی بین شیعه و سنی بطور فاجعه آمیز در حال وقوع است، در افغانستان نیز اینکار از جانب گروه های وابسته به عربستان سعودی بخصوص طالبان و پیروان بعضی از احزاب و گروه های تنظیمی اسبق جهادی که همه با نامهای شان آشنا هستیم، متأسفانه از مدتی بدینسو در حال شکل

گیری است که اگر جلوگیری نشود، میتواند عوام الناس شیعه و سنی افغان را به جان هم بیندازد.» امیدوارم با شرح فوق موضوع روشن شده باشد.

آقای بنیاد می نویسد: «آقای کاظم با نشان دادن چهره مزور عربستان سعودی، ایران را در مورد افغانستان با تمام جنایاتش بیگناه جلوه داده، توجه مردم را به جنایات عربستان سعودی طور ظریفانه جلب میکند که همه بدبختی ها زیر سر عربستان سعودی است و ایران به کشور ما کاری ندارد.»

محترما! طوریکه از متن بالا واضح میشود، من ایران و عربستان را دو رقیب سیاسی در منطقه دانسته که هر دو ادعای زعامت و رهبریت را در جهان اسلام دارند و هر دو با استفاده از تحریکات مذهبی، اهداف سیاسی خود را در منطقه پیش می برند و هر گز ادعا نکرده ام که گویا «عربستان سعودی مقصر و ایران بیگناه» است. این برداشت شما یک سخن واهی و حتی افترا آمیز است. در این ارتباط توجه شما را به این متن نوشته خود معطوف میدارم: «از آنجائیکه ایران اکنون بیش از هر وقت دیگر بر گروپ ها و احزاب سیاسی اهل تشیع افغان نفوذ قابل ملاحظه و آشکار دارد، عربستان سعودی نیز میخواهد با تحریکات مذهبی به وسیله گروپ های افغان وابسته به خود در این بازی خطیر از رقیب عقب نماند و در برابر نفوذ ایران در افغانستان ایجاد مقاومت نماید.»

آقای بنیاد می نویسد: «آقای کاظم چنان ظریفانه روی جنایات ایران در افغانستان پرده می اندازند که گوئی آب از آب تکان نخورده است. .. اگر موضوع تجاوز ایران با قلم توانای شان موشگافی میشد، ضروری تر و با اهمیت تر می بود.»

محترما! من آدم تازه کار نیستم، در حدود صد مقاله، شش کتاب و رساله و بیش از پنجمصد مصاحبه و تحلیل سیاسی در طول سالهای مهاجرت در باره اوضاع وطن و منطقه دارم، از جمله با توضیح مکرر اهداف توسعه جویانه سیاسی و فرهنگی ایران و انواع مداخلات آن کشور را در طول چندین سال در افغانستان نگاه داشته و بیان کرده ام. اینکه شما از آنها اطلاع ندارید، گناه من نیست. باید تصریح کنم که من نه سخنگوی کسی و یا رژیم هستم، و نه از این کشور و آن کشور دفاع مینمایم. هرچه تاحال گفته و یا نوشته ام، به حیث یک افغان در آن منافع کشور و مردم خود را بالاتر از هر چیز دیگر دانسته و با هر آنچه وحدت ملی ما را خدشه دار بسازد و جنگ های فرقی، مذهبی، زبانی و قومی را دامن زند، سخت مخالف هستم. اینکار را نه امروز، بلکه از سالهاست که در دستور العمل کار و اندیشه خود قرار داده ام و تا پایان زندگی به آن پایبند خواهم ماند.

آقای بنیاد مینویسد: «بزم آقای کاظم اگر روشن فکران در این زمینه روشنگری کنند، سبب آشوب خواهد شد، پس روشنفکران افغانی در مقابله با تجاوز ایران باید سکوت اختیار کنند و از طرف دیگر جناب کاظم در مقابل تجاوز فرهنگی ایران هیچ بدیلی را تا حال ارائه نداده است چرا؟ معلوم میشود که جناب کاظم فاجعه را در جای دیگر می بینند و فاجعه ای که در حال وقوع است از آن چشم می پوشند.»

محترما! من به صراحت نوشتم که: «دفع نفوذ روز افزون ایران توسط خود افغانها یک موضوع ملی است، ولی دفع نفوذ یکی به وسیله تقویه نفوذ دیگر، در کشور نتایج وخیم را بار می آورد و افغان را در برابر افغان به جنگ می اندازد.» من این نوع روشنگری ها را وظیفه هر افغان وطن دوست میدانم، ولی نمیخواهم برای دفاع از وطن، زیر بال یک ایرانی ولو که داکتر ملازاده باشد، خود را جا دهم و صدای خود را در پشت صدای او بلند کنم. تا وقتی که صدای ملازاده بلند نشده بود، من صدای شما را در مورد جنایات ایران در قبال کشور ما نشنیده و سطری از شما نخوانده بودم. کاش شما قبل از ملازاده به این مسؤلیت ملی خود پی می بردید. خوشحال میشوم که شما به حیث یک افغان صدای برحق مردم خود را در زمینه بلند کنید. راجع به تجاوز فرهنگی ایران و وابستگی آن در حلقه هموطنان خود، من از جمله اولین کسانی بودم که صدای مخالفت را بلند کردم، طور مثال از مناظره تاریخی ام با داکتر سید مخدوم رهین یاد آور می شوم که از همان آغاز در اولین رادیوی افغانها که توسط آقای فاروق تمیز در لاس انجلس نشرات داشت، صورت گرفت و نیز ادامه آن در شماره های 23، 24 و 26 نشریه امید در سپتمبر و اکتوبر 1992 و نیز در مجله آئینه افغانستان شماره 28 و 29 آن سال انعکاس گسترده یافت.

محترما! دو مطلب دیگر در نوشته شما برایم سوال انگیز است یکی اینکه نوشته اید: «شیکه های دست اندر کار گماشتگان ایران وقتی عرصه تجاوز بر افغانستان را بخود تنگ می بینند، به هر وسیله ممکن متوسل می شوند که یکی از آن شاید خواهشی باشد از طرف تلویزیون پیام افغان از آقای داکتر کاظم، تا در زمینه قدم پیش گذارند و مطلبی در زمینه بنویسند.» با آنکه مفهوم جمله اول وضاحت ندارد، ولی به صراحت میگویم که استنباط شما مبنی بر خواهش تلویزیون پیام افغان از من تا قدم پیش گذارم، کاملاً بی اساس و عاری از حقیقت است. مطلب دوم که نوشته اید: «اگر اوضاع روشن نگردد، پایانش بسیار خطرناک و درد ناک خواهد بود، یعنی جنگ برادر کشی چنان وحشت ناک آغاز خواهد شد که افغانستان مظلوم از یک جنگ بدر نا شده در جنگ درد ناک دیگر در گیر خواهد شد»، یگانه مطلبی است که کاملاً با شما موافقم و مایه نگرانی من از چاق کردن جنگ مذهبی بین شیعه و سنی در افغانستان همین جنگی است که از یکی بدر ناشده، در دیگری درگیر خواهیم شد. متأسفانه هیزم پاشی های دیگران که شما از آن به حمایت بر خاسته اید، موجبات قطعی این جنگ را فراهم می سازد و برعکس من جداً با شعله ور

ساختن این جنگ مخالف هستم و هدف نوشته من نیز دقیقاً همین موضوع بوده است. با ختم این نوشته بحث خود را با شما در این مورد پایان میدهم. با عرض حرمت داکتر کاظم

د پانو شمیره: له 3 تر 3

افغان جرمن آنلاين په درېنت تاسو همكاري ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړيکه ټينگه كړئ maqalat@afghan-german.de يادښت: دليكنيزې بڼې پازوالي د ليكوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليكنه له راليرلو مخكې په خيږ و لولئ